



انجمن مطالعات برنامه درسی ایران

دانشنامه ایرانی برنامه درسی

(دائرة المعارف)

- صاحب امتیاز: انجمن مطالعات برنامه درسی ایران و سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش

- با حمایت معنوی: پژوهشکده دانشنامه نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- مدیر علمی و اجرایی: دکتر ابراهیم طلائی

- شورای علمی و سیاستگذاری دانشنامه (از زمان تأسیس تاکنون):

دکتر محمود مهر محمدی، دکتر کوروش فتحی واجارگاه، دکتر علیرضا کیامنش، دکتر نادر سلسبیلی، دکتر زهرا گویا، دکتر نعمت‌اله موسی‌پور، دکتر حسن ملکی، دکتر عباس صدری، دکتر محمد عطاران، دکتر مجید علی‌عسگری، دکتر علیرضا عصاره، دکتر مسعود فراستخواه، دکتر جواد قندیلی، دکتر مصطفی قادری، دکتر محمد جوادی‌پور، دکتر کامبیز پوشنه، دکتر پروین صمدی، دکتر زهرا بازرگان، دکتر نرگس کشتی‌آرای، دکتر زهرا نیکنام، دکتر علی حسینی‌خواه، دکتر علیرضا صادقی، دکتر سعید صفایی موحد.

- کارشناس دبیرخانه دانشنامه: مژگان منیری

محور: ۱۵- تربیت معلم

سرگروه محور: دکتر رحمت‌اله خسروی

عنوان مدخل: ۱۵-۲-۱- رویکردهای برنامه درسی تربیت معلم در ایران

نویسنده: دکتر عاطفه عطاران

دانشگاه/سازمان: دکترای برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه خوارزمی

ایمیل: atefeh.ataran@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۹

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۹/۵/۲۶

شیوه ارجاع دهی: عطاران، عاطفه (۱۳۹۹). رویکردهای برنامه درسی تربیت معلم در ایران، دانشنامه ایرانی برنامه درسی، انتشار برخط.

راه ارتباطی

تهران - خ ایرانشهر شمالی - کوچه خسرو - پلاک ۶ - طبقه پنجم - کد پستی ۱۵۸۴۶۳۵۷۱

رایانامه: daneshnamehicsa@yahoo.com وبسایت: www.daneshnamehicsa.ir تلفن دبیرخانه: ۰۲۱-۸۸۸۱۲۸۶۸ داخلی ۲۴۳

عاطفه عطاران^۱

مقدمه

هر یک از جوامع با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی مختلف خود، سیاست‌های خاصی را در آماده‌سازی معلمان برای ورود به عرصه تدریس و عمل، اعمال می‌کنند. به زعم رینگر (ترجمه حقیقت خواه، ۱۳۹۳) شیوه تربیت معلم و پیشینه تاریخی برنامه درسی در نظام آموزشی هر کشوری، متأثر از رخدادها و نیروهای اجتماعی مؤثر در آن کشور است. در این نگاه، برنامه درسی واسط میان مربیان و زمینه‌های اجتماعی است و بخش عمده چالش‌های مهم برنامه‌های درسی تربیت معلم، در پاسخگویی به سیاست‌ها و گفتمان‌های جدید جهانی (تینوکا^۲ و همکاران، ۲۰۱۳) بروز می‌یابد. تربیت معلم در ایران نیز از زمانی که مطرح شده است تاکنون با تغییرات گسترده‌ای همراه بوده است و به‌طور مداوم به‌عنوان تابعی از وضع متغیر برنامه‌های آموزش و پرورش، تغییر کرده است.

خاستگاه، تاریخچه و مبانی رویکردهای برنامه درسی تربیت معلم در ایران

نوع نگاه به برنامه درسی در سطوح گوناگون نظام‌های آموزشی همراه با ملاحظاتی است که ما را با دو رویکرد متفاوت برنامه درسی در آموزش عمومی یا مدرسه‌ای و برنامه درسی در آموزش عالی یا دانشگاهی مواجه می‌سازد. با عنایت به سطوح برنامه درسی و در نظر گرفتن اصول حاکم بر برنامه درسی در آموزش عمومی و برنامه درسی آموزش عالی، از آنجا که وضعیت برنامه درسی در آموزش عالی در مقایسه با آموزش عمومی بسیار متفاوت است، برنامه درسی تربیت معلم به مثابه یک حوزه مطالعاتی ویژه در برنامه درسی آموزش عالی مطرح می‌شود. به‌طوری که در برخی موارد از تربیت معلم تحت عنوان دوره آموزش عالی یاد می‌شود که هدف آن تربیت آموزگار برای سطوح مختلف آموزشی از دبستان تا دبیرستان است (پارک^۳، ۲۰۰۷ به نقل از عطاران، ۱۳۹۷).

مطالعه تاریخی بنیادها و آموزه‌های نظری حاکم بر نظام تربیت معلم ایران در سده‌های گوناگون نشان می‌دهد برنامه درسی تربیت معلم در سیر تطور خود چهار دوره را تجربه کرده است که می‌توان به استناد رویکردهای برنامه‌های درسی و اقدامات برنامه‌ریزانه در حوزه تربیت معلم، آن‌ها را تحت عناوین زیر معرفی کرد:

دوره اول: رویکرد برنامه درسی رشته‌ای^۴ (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۲)؛

دوره دوم: رویکرد برنامه درسی چندرشته‌ای^۵ (از ۱۳۱۳ تا ۱۳۶۲)؛

دوره سوم: رویکرد بازگشت به برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲)؛

دوره چهارم: رویکرد برنامه درسی میان‌رشته‌ای^۶ (از ۱۳۹۳ تاکنون).^۷

^۱ دکترای برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه خوارزمی، atefeh.ataran@yahoo.com

2. Tinoca

3. park

4. Disciplinary Curriculum

5. Multidisciplinary Curriculum

6. Interdisciplinary Curriculum

مفروضات و ویژگی‌های مهم رویکردهای برنامه درسی تربیت معلم در ایران

▪ دوره اول: رویکرد برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۲)

در سال ۱۲۹۷ همراه با تحولات آموزش و پرورش، نخستین گام در تربیت معلم کشور با تصویب قانون تأسیس «دارالمعلمین مرکزی» (دارالمعلمین و دارالمعلمات^۱) توسط مجلس شورای ملی برداشته شد. دارالمعلمین نخستین مرکز دولتی جهت تربیت و آماده کردن معلمان برای آموزش در مدارس جدید بود که تا پایان دوره قاجار به فعالیت خود ادامه داد. پروگرام^۲ و نظامنامه دارالمعلمین پس از بررسی در جلسات متعدد شورای عالی معارف، در دو شعبه ابتدایی (به منظور تأمین معلم برای ۴ سال اول دوره ابتدایی) و شعبه عالی (به منظور تأمین معلم برای سال پنجم و ششم ابتدایی و دوره اول متوسطه) به تصویب رسید. دوره تحصیل در شعبه ابتدایی، دو سال نظری و یک سال عملی و در شعبه عالی، سه سال نظری و یک سال عملی تعیین شده بود. در دوره عملی به منظور آشنایی با اصول تدریس، وزارت معارف یکی از مدارس ابتدایی را به دارالمعلمین مرکزی ضمیمه کرد و محصلان دارالمعلمین زیر نظر استادان خود در آن مدرسه تدریس می‌کردند (محمودیان، ۱۳۹۰).

تغییرات نظام آموزشی به‌طور عام و تربیت معلم به‌طور خاص، با آغاز دوره پهلوی اول در سال ۱۳۰۴ تسریع یافت. در طول این دوره، سیاست‌گذاری‌های آموزشی دولت بر سه خط‌مشی اصلی یعنی تجدد، مرکزگرایی و ملی‌گرایی استوار بود که محتوای آن با تکیه بر تاریخ ایران باستان و با تعصب نژادی آریایی همراه بود (ماتی، ۱۳۸۷). بدین ترتیب رضاشاه در جهت دستیابی به این سه هدف و لزوم نظارت بر تربیت معلمان برای تزریق ایدئولوژی پهلوی، با اتخاذ تصمیماتی سعی در یکدست نمودن برنامه‌های درسی و رفع نقایص برنامه‌ها داشت. با رشد این تفکر در جامعه که آموزش و تحصیلات می‌تواند موجب ترقی گردد و در نتیجه گسترش دبیرستان‌ها و نیاز به تأمین معلم دوره متوسطه، در سال ۱۳۰۷، دارالمعلمین مرکزی به «دارالمعلمین عالی» تبدیل شد. بدین ترتیب برنامه تربیت معلم متوسطه پایه‌گذاری گردید. برنامه درسی دارالمعلمین عالی مشتمل بر دو قسمت علمی (شامل رشته‌های فیزیک و شیمی، طبیعیات و ریاضیات) و ادبی (شامل رشته‌های فلسفه و ادبیات، تاریخ و جغرافیا) بود.

این دوره از آن جهت که نقطه شروع تربیت معلم در کشور بوده است مستلزم توجه‌ای ویژه می‌باشد؛ چرا که با تامل در برنامه‌های درسی دارالمعلمین مرکزی و دارالمعلمین عالی می‌توان اندیشه‌های آغازین در تربیت معلم را شناسایی کرد. آنچه از برنامه درسی در این دوره می‌توان دریافت، آماده‌سازی معلم در یک رشته خاص و اجرای برنامه درسی رشته‌ای (دیسپلینی) بوده است. به عبارتی دیگر مطابق برنامه درسی مصوب دارالمعلمین مرکزی و دارالمعلمین عالی، هدف آماده‌سازی معلم برای تدریس در یک رشته و بکارگیری آنها در دوره و رشته‌ای مشخص بوده است. با توجه به این نوع از برنامه درسی، آنچه در این دوره از معلم انتظار بوده است، عمل به صورت تک حرفه‌ای است.

فرآیند تحول آموزشی و گسترش مدارس با فراز و فرود فراوان در این دوره ادامه داشت تا اینکه عاملی اثرگذار بر این فراز و فرود تاریخی هویدا شد و اعزام محصلین به غرب آغاز گردید. قانون اعزام محصل به خارج از کشور مصوب سال ۱۳۰۸ مجلس شورای ملی است که در آن پیش‌بینی شده بود در سال اول ۵۰ درصد و در سال‌های بعد ۳۵ درصد از اعزام شوندگان به رشته تعلیم و تربیت^۳ برای تدریس در دارالمعلمین اختصاص داده شود (صافی، ۱۳۹۱). چند سال بعد همزمان با اتمام تحصیل و بازگشت این افراد به ایران و پیاده‌سازی ایده‌هایشان در نظام تعلیم و تربیت، دوره جدیدی از برنامه‌های درسی تربیت معلم آغاز شد.

▪ دوره دوم: رویکرد برنامه درسی چندرشته‌ای (از ۱۳۱۳ تا ۱۳۶۲)

۱. دارالمعلمین برای تربیت معلم مرد و دارالمعلمات برای تربیت معلم زن
۲. برنامه‌های درسی در این دوره تحت عنوان «پروگرام» و «دستور تحصیلات» معرفی می‌شده است و در دهه ۱۳۴۰ عنوان «برنامه درسی» در نظام آموزشی ایران رواج یافت.

در دوره پهلوی اول و با اجرای قوانین مربوط به آموزش اجباری و رایگان، اصلاحات آموزشی بلندپروازانه رضاشاه با مشکلاتی از جمله کمبود معلمان ورزیده مواجه بود که برای رفع آن، «قانون تربیت معلم» با هدف تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه و توسعه یکپارچگی ملی از طریق توسعه آموزش و پرورش، در سال ۱۳۱۲ به تصویب رسید (صافی، ۱۳۸۷). در ادامه اقدامات دولتی برای اصلاح ساختار تعلیم و تربیت کشور و بر اساس «قانون تربیت معلم» در سال ۱۳۱۲ لایحه تأسیس مراکز دانشسرا به تصویب مجلس رسید و دارالمعلمین عالی به «دانشسرای عالی» تغییر نام یافت. مطابق اساسنامه و دستور تحصیلات دانشسرای عالی، برنامه درسی دانشسرای عالی در دو بخش علمی و ادبی و یک شعبه علوم تربیتی تعیین شده است (شورای عالی معارف، ۱۳۱۳). بدین ترتیب برای نخستین بار در برنامه درسی تربیت معلم کشور، دروس علوم تربیتی در کنار دروس تخصصی آموزش داده شد. ایده آموزش دروس رشته علوم تربیتی در کنار دروس تخصصی رشته‌ای که از سوی اعزام شدگان به تحصیل در غرب مطرح شد، فصل جدیدی از برنامه درسی با رویکرد چندرشته‌ای را در تاریخ تربیت معلم کشور ایجاد کرد. در این دوره، گروهی از دانشجویان اعزامی به دانشگاه‌های خارج به کشور بازگشتند و به جمع استادان علوم تربیتی دانشسرای عالی پیوستند (کاردان به نقل از موسی پور، ۱۳۸۷). بدین ترتیب ایجاد سیاست‌ها و قوانین آموزشی در حوزه تربیت معلم با بازگشت دانشجویان اعزامی به خارج از کشور همراه شد. هم‌زمانی این دو موج اثرگذار در برنامه‌های درسی تربیت معلم، موجب اصلاح برنامه‌های درسی با اهداف سیاسی و اجتماعی گردید. بدین صورت که این گروه از استادان سعی داشتند تا آنچه را که طی دوران اعزام به کشورهای غربی آموخته بودند، با توجه به اهداف حکومتی و مصلحت‌های آن در برنامه‌های درسی پیاده نمایند.

در اواخر سال ۱۳۱۳ در ادامه نوسازی آموزشی رضاشاه، «قانون تأسیس دانشگاه تهران» به تصویب رسید و تمام مدارس عالی و دانشکده‌های تأسیس‌شده تا آن زمان را در برگرفت. به طوری که با تأسیس دانشگاه تهران، دانشسرای عالی با هدف تربیت دبیر برای دبیرستان‌ها بخشی از دانشگاه تهران شد (بخش ادبی آن به دانشکده ادبیات و بخش علمی آن تبدیل به دانشکده علوم شد)؛ به عبارت دیگر دانشسرای عالی عملاً استقلال خود را از دست داد و اداره آن تحت نظارت دانشگاه ادامه یافت. در سال ۱۳۱۷ با تأسیس فرهنگستان زبان فارسی، نام شورای عالی معارف به «شورای عالی فرهنگ» تغییر یافت. بدین ترتیب به تبع تغییرات انجام شده در ساختار نظام آموزشی، برنامه‌های درسی دانشسراها در سال ۱۳۲۰ به طور گسترده‌تری توسط شورای عالی فرهنگ بازنگری شد و عناوین درسی در سه بخش «دروس پرورشی و ادبی»، «دروس علمی» و «دروس عملی» تعیین شد.

در آغاز دهه ۱۳۴۰ با شروع حکومت پهلوی دوم، از همان ابتدا موضوع اصلاح جامعه از طریق آموزش و پرورش مطرح شد. در میان طرح‌های شش‌گانه محمدرضا پهلوی برای اصلاح جامعه، موضوع بازبینی و اصلاح برنامه‌های دوره‌های تربیت معلم نیز دیده می‌شد. در راستای اقدامات مربوط به انقلاب آموزشی محمدرضا پهلوی، سپاه دانش تشکیل شد و مبارزه با بی‌سوادی و آموزش در روستاها انجام گرفت. در همین راستا با توجه به نیاز منطقه‌ای، مجوز تأسیس **آموزشگاه‌های تربیت معلم** در برخی از شهرستان‌ها و روستاها توسط وزارت فرهنگ صادر می‌شد. دوره تربیت معلم در این آموزشگاه‌ها یکساله بود و برنامه درسی این دوره یکساله مطابق موضوعات درسی دوره ابتدایی (شامل زبان و ادبیات فارسی، علوم دینی، تعلیمات عمومی، ورزش و کارهای دستی) به‌اضافه دروس علوم تربیتی بود (شرکایی، ۱۳۸۶). در سال ۱۳۴۲ طبق تصویب هیئت‌وزیران دانشسرای عالی منحل شد و به جای آن «سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی» به وجود آمد. تصویب این قانون به عنوان نقطه عطفی در تاریخ تربیت معلم ایران، وزارت آموزش و پرورش را مکلف می‌کرد تا برحسب نیاز اجتماعی و در راستای عدالت آموزشی، در مراکز شهرستان‌ها شعب دانشسرای عالی و یا بعضی از مؤسسات آن را ایجاد کند. در سال ۱۳۴۳ و در ادامه اقدامات اصلاحی نظام اداری و آموزشی پهلوی دوم، تأسیس وزارتخانه مستقل «آموزش و پرورش» صورت گرفت و شورای عالی فرهنگ به «شورای عالی آموزش و پرورش» تغییر نام داد. در سال ۱۳۴۶ پس از تصویب «قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی» در مجلس شورای ملی، مجدداً دانشسرای عالی دایر شد و اختیارات آموزش و پرورش در رابطه با دانشسرای عالی بر عهده وزارت علوم و آموزش عالی نهاده شد. پس از تحولات مختلفی که درخصوص تربیت دبیر دوره متوسطه صورت گرفت، بنا به تصویب شورای گسترش وزارت علوم و آموزش عالی در تاریخ ۱۳۵۳/۰۷/۲۱ دانشسرای عالی با عنوان «دانشگاه تربیت معلم» تغییر نام یافت که مهم‌ترین هدف آن توسعه برنامه تربیت دبیر در سطح کشور بود. در این دوره علاوه بر تأسیس شعبه‌هایی از دانشگاه تربیت معلم به نام دانشسرای عالی در شهرهای

مختلف، در برخی از دانشگاه‌های کشور دانشکده‌ای به نام دانشکده علوم تربیتی به وجود آمد که وظیفه اصلی آن تربیت دبیر در شعبه‌های مختلف بود. در دانشگاه تربیت معلم دانشجویان هر رشته شامل دانشجویان دبیری و دانشجویان آزاد بودند و فقط دانشجویان دبیری کلاس‌های دروس تربیتی را می‌گذراندند (معمدی، ۱۳۹۰). در این دوره از تاریخ تربیت معلم که وظیفه تربیت دبیر برعهده دانشگاه‌ها بود، نوع دیگری از برنامه درسی چندرشته‌ای در دوره‌های تربیت دبیر رواج یافت. بدین ترتیب که آموزش دوره‌های دبیری در یک رشته اصلی (مهاده^۱) و در یک رشته فرعی (کهاده) با تعداد واحدهای درسی حدود یک نیمسال انجام می‌شد. این ایده که به سبب دستیابی به معلم چندحرفه‌ای پدید آمده بود، این امکان را فراهم می‌کرد تا معلمان بتوانند در راستای پاسخگویی به نیازهای بومی و مدرسه‌ای، دو رشته را تدریس کنند.

در سال ۱۳۵۸ پس از پیروزی انقلاب اسلامی در راستای تغییر ساختار تربیت معلم و تهیه برنامه‌های درسی، اساسنامه جدید مراکز تربیت معلم تهیه و به تأیید وزیر آموزش و پرورش وقت (شهید محمدعلی رجایی) رسید. با تصویب این اساسنامه فعالیت کلیه مراکز تربیت معلم قدیم اعم از دانشسراهای مقدماتی، راهنمایی تحصیلی، مراکز تربیت مربی کودک، مراکز تربیت معلم روستایی و عشایری متوقف گردید و به جای آن‌ها مراکز جدیدی به نام «مرکز تربیت معلم» تأسیس شد. این توقف که به لحاظ عامل سیاسی در کشور رخ داد علاوه بر تغییر رویکردها و جریان‌های داخلی، بنیادهای آموزش معلمان را نیز تغییر داد. دگرگونی‌های این دوره از نظام آموزشی کشور که در راستای عدالت آموزشی و با موضوع پاسخگویی به نیازهای آموزشی مناطق محروم همراه بود، موجب شده بود برنامه‌های درسی تربیت معلم با رویکرد چند رشته‌ای دنبال شوند. رویکرد چند رشته‌ای بر مبنای این واقعیت است که دیسیپلین‌های مجزا و مستقل زیادی وجود دارد و در عین حال که دانشجویان معمولاً در یک دیسیپلین متخصص می‌شوند، می‌توانند به مطالعه جزئی برخی رشته‌های دیگر نیز بپردازند (ملکی به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۹۴). در این دوره دو معنا از برنامه درسی چندرشته‌ای مورد نظر است:

در معنای اول دروس رشته علوم تربیتی فارغ از رشته فرد، همراه با دروس تخصصی رشته‌ای در برنامه درسی تربیت معلم ارائه می‌شده است و معلم بجای اینکه تنها در رشته خود متخصص شود، دانش تربیتی مربوط به حرفه معلمی را نیز کسب می‌نموده است. آن‌چنان که ذکر شد در برنامه درسی دانشسراها علاوه بر آموزش دروس تخصصی مربوط به گرایش‌های مختلف، برخی از دروس مربوط به رشته علوم تربیتی نیز تدریس می‌شد. در این رویکرد با تلقی سنتی از رشته‌های دانشگاهی، هویت موضوعات مجزا در انتخاب محتوا، حفظ می‌شود و یادگیرندگان تا آنجا که محتوا یا مهارتی به مضمون اصلی مربوط باشد، همچنان از یک ماده درسی به ماده درسی دیگر حرکت می‌کنند.

در معنای دوم از برنامه درسی چندرشته‌ای، موضوع تربیت معلم در دو رشته تخصصی به صورت مهاده و کهاده مطرح می‌شود؛ آن‌چنان که در دوره‌های دبیری دانشگاه تربیت معلم، داوطلبان شغل معلمی علاوه بر گذراندن دروس تخصصی در رشته خود با گذراندن بخشی از واحدهای درسی یک رشته دیگر، توانایی تدریس در رشته دوم را نیز کسب می‌نمودند. در واقع می‌توان گفت برنامه درسی تربیت معلم در این دوره با رویکرد چند رشته‌ای، نمایانگر همزیستی چند رشته با همدیگر است و عبارت است از کنار هم قرار دادن دیدگاه‌ها و تعاملات رشته‌های متفاوت. اگرچه این نوع کنار هم قرار گرفتن تحلیل‌ها می‌تواند موجب غنای اطلاعات شود اما در عین حال، تفاوت‌ها و محدوده هر یک از دیدگاه‌ها به قوت خود باقی می‌ماند (ملکی و سلیمی، ۱۳۸۹).

▪ دوره سوم: رویکرد برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲)

با بازگشایی دانشگاه‌ها و توسعه مراکز آموزشی، در جهت همسویی با تغییرات سیاسی و اجتماعی پدید آمده دوره جدیدی از برنامه‌های تربیت معلم در کشور آغاز شد. در سال ۱۳۶۳ «شورای عالی انقلاب فرهنگی» با هدف اسلامی کردن دانشگاه‌ها تشکیل شد. به همین منظور با توجه به نیاز به سیاست‌گذاری و نظارت بر روند تدوین و بازنگری برنامه‌های درسی، در جلسه مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورایی تحت نام «شورای عالی برنامه‌ریزی» با شش گروه برنامه‌ریزی شامل گروه

۱. مهاده مجموعه دروسی است که رشته اصلی تحصیلات دانشگاهی را تشکیل می‌دهد.

پزشکی، گروه کشاورزی، گروه فنی و مهندسی، گروه علوم انسانی، گروه علوم پایه و گروه هنر تشکیل شد. تأسیس این شورا، زمینه‌ساز مواجهه سازمان‌یافته با برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی شد و آغازی برای انسجام بخشیدن به برنامه‌های آموزشی و نقطه شروعی در فرایندسازی برنامه‌های درسی دانشگاهی بود. در این دوره با هدف بررسی و تصویب برنامه‌های درسی تربیت معلم و مقررات آموزشی مربوط به مراکز تربیت معلم، تشکیل گروه خاصی به نام «گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم» (مصوب پنجاه و نهمین جلسه مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) به عنوان هفتمین گروه از گروه‌های برنامه‌ریزی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی^۱ به تصویب رسید. اولین جلسه گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم در تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۳ در وزارت آموزش و پرورش با ریاست وزیر آموزش و پرورش وقت (محمدعلی نجفی) برگزار شد و بازنگری در عناوین و برنامه‌های درسی رشته‌های مراکز تربیت معلم به عنوان یکی از برنامه‌های واجد اولویت گروه شناسایی شد در مصوبات این جلسه آمده است:

«در تربیت معلم، هر معلم تنها در یک رشته تخصصی دانشگاهی آموزش ببیند و به منظور تطبیق ساعات موظف وی با ساعات دروس واحد آموزشی، دوره‌های تکمیلی تخصصی برنامه‌ریزی و از بدو شروع خدمت اجرا گردد» (مرکز برنامه‌ریزی آموزش منابع انسانی و فناوری اطلاعات، ۱۳۹۴).

این مصوبه که سرآغاز دوره بازگشت به برنامه درسی رشته‌ای و تربیت معلم تک حرفه‌ای است بیانگر ترویج ایده تخصص‌گرایی و نگاه دیسپلین محور سیاستگذاران آموزشی این دوره بوده است. آنچه در این دوره به عنوان رویکرد بارز در برنامه‌های درسی تربیت معلم مطرح بود، توجه به دانش و ساختار علمی رشته‌ای به سبب حضور متخصصان رشته‌ای در کمیته‌های تخصصی بازنگری گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم و شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم بود. رویکرد رشته‌ای به عنوان رایج‌ترین شیوه سازمان‌دهی برنامه درسی، شیوه‌ای مبتنی بر رشته‌های علمی و برنامه‌های درسی به روش سنتی است. در برنامه درسی رشته‌ای، موضوعات درسی به طور مجزا و در بخش‌های مجزا ارائه می‌شود، همان‌گونه که در برنامه‌های درسی این دوره، بخش‌های مجزای دروس عمومی، دروس تربیتی، دروس پایه و تخصصی لحاظ شده بود. چنین نگاه صرف موضوعی و رشته‌ای، بدون در نظر گرفتن رویکرد میان‌رشته‌ای در برنامه‌های درسی تربیت معلم تا پیش از تأسیس دانشگاه فرهنگیان در برنامه‌های درسی تربیت معلم دنبال شده است.

▪ دوره چهارم: رویکرد برنامه درسی میان‌رشته‌ای (از ۱۳۹۳ تاکنون)

با توجه به ایده تجمیع و یکپارچه‌سازی مراکز تربیت معلم و هم‌زمان با تأسیس «دانشگاه فرهنگیان»، موضوع بازنگری برنامه‌های درسی تربیت معلم در رشته‌های گوناگون مطرح شد. برنامه‌های درسی قدیم به دلیل طول عمری که داشتند با تغییرات مطرح در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انطباق نداشتند؛ سندی که بنیاد تأسیس دانشگاه فرهنگیان محسوب می‌شود و بر اساس آن دانشگاه فرهنگیان مکلف به تأمین و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش بود. بر اساس چنین ضرورت‌هایی، دانشگاه فرهنگیان در نخستین گام بازنگری برنامه‌های درسی، اقدام به تدوین سند «طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت معلم» نمود. منظور از معماری یا طرح کلان برنامه درسی، تصمیم‌گیری درباره رویکردها، اهداف، اصول و سایر عناصر مشترک تمامی رشته‌های تحصیلی دوره‌های تربیت معلم است.

در سند مذکور آنچه به عنوان هدف بازنگری برنامه‌های درسی تربیت معلم مطرح می‌شود، عبارت است از: **کسب شایستگی حرفه‌ای گری معلم و ابعاد کلیدی آن (شایستگی‌های کلیدی)** که تبیین‌کننده هویت حرفه‌ای معلم می‌باشند (موسی پور و احمدی، ۱۳۹۵). بر اساس سند مذکور ابعاد شایستگی‌های کلیدی که در تولید برنامه درسی تربیت معلم دارای نقش کلیدی هستند عبارت‌اند از:

^۱. که بعدها وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نامیده شد.

- شایستگی‌های معطوف به دانش موضوعی^۱ (شایستگی تخصصی رشته)
- شایستگی‌های معطوف به دانش تربیتی^۲
- شایستگی‌های معطوف به عمل تربیتی موضوعی^۳
- شایستگی‌های معطوف به دانش عمومی^۴ (موسی پور و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۷).

با در نظر گرفتن این شایستگی‌ها، چهارچوب برنامه درسی تربیت معلم متشکل از دروس عمومی، دروس تعلیم و تربیت اسلامی، دروس تربیتی، دروس تخصصی رشته‌ای، دروس موضوعی-تربیتی و کارورزی است. در این چهارچوب نوآورانه که به نوعی منجر به تغییر مسیر رویکرد برنامه درسی تربیت معلم از برنامه درسی رشته‌ای به برنامه درسی میان رشته‌ای شده است، برای نخستین بار دروس تلفیقی موضوعی-تربیتی در برنامه‌های درسی تربیت معلم وارد شد. گذر از دوره برنامه درسی رشته‌ای به برنامه‌های درسی با رویکرد میان‌رشته‌ای در فرایند بازنگری برنامه‌های درسی تربیت معلم در این دوره با چالش‌های زیادی همراه بود که اختلاف نظر میان متخصصان رشته‌ای و متخصصان علوم تربیتی از بارزترین آن‌ها بود.

جمع بندی

در نتیجه باهم‌نگری و نگاه کل‌گرایانه به دوره‌های تاریخی رویکردهای برنامه درسی تربیت معلم، وجوه اجتماعی تغییرات که پیوندی عمیق با باورهای هر دوره داشته، آشکار می‌شود. سیر اصلاحات برنامه درسی تربیت معلم علاوه بر تأثیرپذیری از اقتضات و شرایط اجتماعی و سیاسی، دارای حرکتی رو به رشد بوده است. چنین رشدی که در ابتدا با تقلید از برنامه‌های غربی همراه بوده است، در دوران کنونی به سبب بروز ایده‌های نوین تربیتی در کشور و پیاده‌سازی آن‌ها در برنامه‌های درسی تربیت معلم قابل تأمل است. با توجه به اینکه بازنگری برنامه درسی پدیده‌ای وابسته به شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع قلمداد می‌شود؛ لذا کندوکاو تاریخی اصلاح آموزشی نه تنها نظام انتقادی مؤثر در یک جامعه مفروض، بلکه مجموعه منافع اجتماعی و سیاسی در یک دوره مشخص را نیز تا حد زیادی آشکار می‌سازد. بنابراین آنچه در تحلیل رویکردهای برنامه درسی تربیت معلم در هر یک از دوره‌های تاریخی مورد تأکید است، توجه به نیازهای اجتماعی و سیاسی آن دوره است که در تعامل با ساختار حکومتی آشکار می‌شوند. بررسی و تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در هر یک از این دوره‌ها و شناخت رویکرد حاکم بر اصلاحات آموزشی به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کمک می‌کند تا ضمن درک عمیق‌تر شرایط کنونی به سبب آگاهی از صیغه تاریخی، برنامه‌های مناسبی را برای آینده پیش‌بینی نمایند.

منابع

احمدی، پروین؛ سبحانی‌نژاد، مهدی و امیری، مهدی (۱۳۹۴). سازمان‌دهی میان‌رشته‌ای برنامه درسی با تأکید بر اثربخشی محتوای دروس. دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های آموزش و یادگیری دانشگاه شاهد، سال بیست و دوم، شماره ۶: ۹۷-۱۲۲.

دفتر هماهنگی طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه (۱۳۶۴). نگرشی بر تربیت معلم در ایران. رینگ، مونیکا ام (بی‌تا). آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (۱۳۹۳)، چاپ سوم. تهران: انتشارات ققنوس.

شرکایی اردکانی، جواد (۱۳۸۶). تربیت معلم در اسناد شورای عالی آموزش و پرورش. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. شورای عالی معارف (۱۳۱۳). اساسنامه و دستور تحصیلات دانشسراهای مقدماتی و عالی. گردآوری شده توسط جواد شرکایی اردکانی (۱۳۸۶). دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

¹-Content Knowledge (CK)

²-Pedagogical Knowledge (PK)

³-pedagogical Content Knowledge (PCK)

⁴-General Knowledge (GK)

صافی، احمد (۱۳۸۷). «سیر تحول تربیت معلم در آموزش و پرورش معاصر ایران: گذشته، حال و آینده». فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۹۶: ۲۰۰-۱۷۳.

صافی، احمد (۱۳۹۱). تربیت معلم در ایران، ژاپن، مالزی، آلمان، انگلستان، هند و پاکستان. تهران: ویرایش. عطاران، عاطفه (۱۳۹۷). «مطالعه بازنگری برنامه‌های درسی تربیت معلم در ایران و ارائه الگویی معتبر». رساله دکتری رشته برنامه-ریزی درسی، دانشگاه خوارزمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۲). راهنمای عملی بازنگری برنامه‌های درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی. تهران: انتشارات مهربان.

ماتی، رودی (۱۳۸۷). آموزش و پرورش در دوره رضاشاه. رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در زمان رضاشاه (مجموعه مقالات نوشته استغفانی کرونین) ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: نیل.

مرکز برنامه‌ریزی آموزش منابع انسانی و فناوری اطلاعات (۱۳۹۴). صورت مذاکرات و مصوبات جلسات گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹ (از جلسه ۱ الی جلسه ۲۱۱). دبیرخانه گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم وزارت آموزش و پرورش.

معمدی، اسفندیار (۱۳۷۹). دانشسرای عالی تهران و اثر آن در آموزش متوسطه. مجله رشد معلم، سال ۱۷، شماره ۱: ۱۹-۱۸. ملکی، حسن و سلیمی، جمال (۱۳۸۹). از نظام دیسیپلینی تا رویکرد بین‌رشته‌ای در برنامه درسی آموزش عالی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال اول، شماره ۱: ۹۵-۶۵.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). برنامه درسی تربیت معلم و الگوی اجرائی مشارکتی آن؛ راهبرد تحولی برای تربیت معلم در ایران. دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی. سال اول، شماره ۱: ۲۶-۵.

موسی پور، نعمت اله (۱۳۸۷). «برنامه‌ریزی درسی در ایران معاصر». فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و چهارم، شماره ۴: ۱۲۴-۸۳.

موسی پور، نعمت اله؛ احمدی، آمنه (۱۳۹۵). «طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت معلم (برنامه درسی ملی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران)». شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی.

Tinoca, L., Ponte, J. P., Galvão, C., & Curado, A. P. (2013). *Key Issues in Teacher Education*. University of Lisboan.